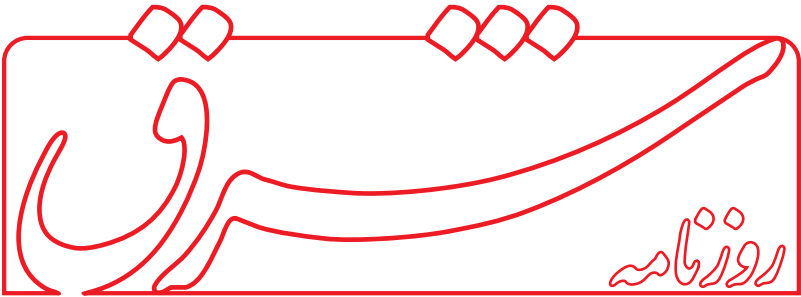




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۰ و ۸۸۸۰۷۱۹ نامبر: ۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: ۲۲- ۸۸۸۱۴۲۳
توزیع: شرکت پیام‌سان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گل‌ریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴
www.sharhmagdaily.ir

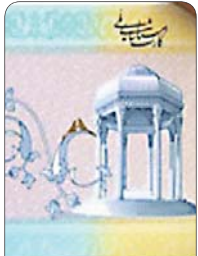
تهران : آذان ظهر ۱۳:۱۱ آذان مغرب ۱۷:۲۷ آذان صبح فردا ۵:۴۶ طلوع آفتاب ۷:۱۵



چهارشنبه ۱۸ دی ۱۳۹۲ ۶ ربیع‌الاول ۱۴۳۵ ۸ ژانویه ۲۰۱۴ سال یازدهم شماره ۱۹۲۳ ۱۶ صفحه

حافظ روی «کارت ملی» آمد

ایستاد: طراحی تازه کارت‌های ملی، تغییراتی انجام شده و طرح مقبره حافظ روی آن نقش بسته است. سازمان ثبت‌احوال کشور که طرح صادر کردن «کارت ملی هوشمند» را در دست انجام دارد، تصویری از مقبره حافظ، شاعر پرآوازه ایرانی، را به‌همراه نقشی اسلیمی از گل برای این کارت برگزیده است. این مقبره در سال ۱۳۱۴ به‌دستور علی‌اصغر حکمت، وزیر فرهنگ وقت و براساس طرحی از آندره گدار، ایران‌شناس و معمار فرانسوی، روی آرامگاه حافظ در شیراز پیاده شد. ساخت این آرامگاه در سال ۱۳۱۷ به پایان رسید.



گزارش

صبحانه‌ای با طعم تبلیغ

سعید برآبادی



ماجرای دنت و تبلیغی که برای حمایت از صبحانه کودکان راه افتاده به کجا ختم می‌شود؟ بنیاد کودک چند وقتی است که یک آگهی روی سایت خود قرار داده و شما می‌توانید با یک کلیک روی این آگهی به جمع حامیان صبحانه کودکان مناطق محروم بپیوندید. این شاید اولین باری باشد که یک طرح حمایتی بدون پرداخت هزینه از سوی شهروندان ایرانی در فضای مجازی، رکورد ۵۰ هزار کلیک (نخوابید ۵۰ هزار حامی) را پشت‌سر گذاشته اما در همان فضاهای مجازی نیز منتقدان جدی‌ای دست‌وپا کرده‌اند: افرادی که این طرح را پنهانی برای تبلیغ نام کارخانه‌ای فعال در حوزه محصولات لبنی می‌دانند؛ گروهی هم می‌گویند یک وعده صبحانه برای کودکان، دردی از جامعه بزرگ کودکان محروم این‌ها را درمانی کند.

به‌لحاظ حقوقی، اقدامات خیرخواهانه چارچوب‌هایی در دل قوانین کشور دارند؛ موضوعی که پیمان حاج‌محمد عطار، حقوقدان و وکیل دادگستری در گفت‌وگو با «شرق» به آن اشاره می‌کند: «اگر اقدامی ولو خیرخواهانه، برخلاف قوانین آمرانه کشور باشد از سوی دولت یا مدعی‌العموم مورد تعقیب واقع می‌شود، او در توضیح این مطلب به آرایه یک مثال می‌پردازد: اگر کسی بخواد در راستای عملی خیرخواهانه مرتکب جرمی شود، مثلاً از پرداخت مالیات‌فرار کند، به علت درآمد غیرقانونی حاصل از آن دولت می‌تواند جلو این تحصیل درآمد را بگیرد، حتی اگر این درآمد صرف امور خیرخواهانه شود.» وی به‌عنوان مصداق عینی این نوع دورزن قوانین آمرانه، به ماجرای سازمان تمذین اجتماعی اشاره می‌کند که با انگیزه کمک به تهیدستان، یک سازمان دولتی به برخی دستگاه‌ها و افراد، مبالغی را پرداخت کرده که جرم است. در مورد حضور یک شرکت تولیدکننده محصولات غذایی در فعالیتی خیریه هم همین شباهت به وجود آمده که آیا این شرکت با ۵۰ میلیون تومان کمک به کودکان، که درصد فرار مالیاتی است؟ مهرداد نیک‌نژاد، مسئول روابط عمومی بنیاد کودک در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید که این شرکت، تاکنون، هیچ‌گونه درخواستی برای دریافت تأییدیه معافیت مالیاتی از این بنیاد نکرده است: «اگر یک کمپانی بخواد از معافیت‌های مالیاتی استفاده کند باید از آن نهاد خیریه گواهی‌نامه‌ای در این زمینه دریافت کند؛ خوشبختانه این شرکت تا به حال نه تقاضای دریافت چنین گواهی‌نامه‌ای را داشته و نه اصولاً در قرارداد ما به این موضوع اشاره‌ای شده است. هرچند منتقدان باید این نکته را هم در نظر بگیرند که سقف معافیت مالیاتی شرکت‌ها، در نهایت به میزان کمک آنها به خیریه است و نه بیشتر.»

اما از زاویه رسیدگی به وضعیت کودکان هم ماجرای بنیاد کودک اماورگ‌هایی دارد. جدا از سلسله‌ای این نهاد و مسایلی که مربوط به گذشته آن مطرح شده و حتی رئیس این بنیاد را به واکنش واداشته، مریم اربابی، یکی از فعالان حوزه حمایت از کودکان کار و خیابان به «شرق» می‌گوید که استفاده از روش‌های خیریه‌ای سال‌هاست که منسوخ شده و نهادهای خصوصی به سمت فعالیت‌های دیگری رفته‌اند: «یک ماشین حساب روی‌په‌روی کودکان بگذارید و ببینید که پایان این پروژه چه خواهد بود. دنت قصد دارد وقتی که تعداد این کلیک‌ها به ۵۰ هزارتارسید، ۵۰ میلیون تومان

«کارت‌زرد» سیاسی

برای من که تجربه وزارت را در کارنامه دارم این مساله بارها اتفاق افتاده که به مجلس فراخوانده شوم، گاهی هم صرفاً برای اجرای «قانون».

اما بر وزیر واجب است که در این مسیر بر اصول خود ایستادگی کرده و در مقابل جریان‌های سیاسی تسلیم نشود. به هر شکل هنوز چندماهه‌ای از عمر دولت نگذشته، سه کارت‌زرد تصیب وزرا شده. آن هم وزرایی که در این شرایط اقتصادی با تمام توان در تلاشند تا برای سروسامان‌دادن امور کاری کنند و گاهی به پیش بردارند اما برخی کارت‌زردها رنگ‌وبویی سیاسی دارد.

متأسفانه این‌روزها در مجلس نهم، گروهی اندک بر طبل مخالفت می‌کوبند و در زمان مقرر می‌توانند گروهی دیگر از نمایندگان را با خود همراه کنند.

در این چند روز از سویی شاهد اعتراض‌های فراوان به نطق علی مطهری بودیم و حالا هم ماجرای کارت‌زرد سوم به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به چشم می‌خورد.

نکته اینکه نه‌تنها در صحن مجلس که بارها در رسانه ملی به شخصیت‌های سیاسی توهین شده و حتی برخی «دزد» خطاب شده‌اند، آن‌وقت مسوولان عزیز بفهمانند کجا به این افراد تریبون داده‌اید و کجا از آنها دعوت به پاسخگویی کرده‌اید.

رویه نادرستی در سطح جامعه دیده می‌شود که اگر جلو آن از سوی برخی مسوولان گرفته نشود به تقویت جریان‌های بی‌اخلاق در جامعه منتهی خواهد شد. از یک‌سو، در فساد اقتصادی شاهد برآمدن چهره‌های میلیاردری رانته هستیم و از سوی دیگر تهمت و افترا و سندسازۃ‌های موهن به چشم می‌خورد.

حالا در مجلس فرصتی برای همدلی میان دولت و نمایندگان فراهم است تا در میان مسایل و مشکلات انبوه پیش‌روی دولت یازدهم، کشور بتواند به‌سرمزل مقصود حرکت کند.

سوال و البته انتقاد من از دوستان نماینده اصولگرا این است که در سال‌های گذشته کجا بوده‌اید و این کارت‌زرد کجا بود که حالا جمیع کارت‌زرد را روی میز گذاشته‌اید.

مگر امثال «ایلیک زنجانی»‌ها و ویژه‌خواری و فساد مالی در دولت اصولگرایی محمود احمدی‌نژاد نبود و خیلی‌ها سبکوت کردند و از کنار آن گذشتند؛ دیگر بسیاری ناکارآمدی‌ها، توهین‌ها، بی‌اخلاقی‌ها در آن دولت مثل روز روشن اتفاق نمی‌افتاد و از کنار آن می‌گذشتید، پس حالا دلیل این مواجهه، جز اینکه تفسیر سیاسی از ماجرا شود، چه چیز دیگری است؟ اگر نمایندگان عزیز چنین روحیه منتقدانه‌ای داشتند چرا کار دولت عدالت‌محور حالا به دادگاه و قوه‌قضاییه رسیده‌است؟

فرصت پیش‌رو اندک است و اسور در اولویت

بسیار.

جامعه‌ای مهلکه‌ای اقتصادی، سیاسی، خارج شده و نیازمند همراهی است. مردم این‌روزها کام‌کان با آلودگی مالی، فقر و نبود فرصت‌های برابر دست‌وپنجه نرم می‌کنند و روائیست که ما ساعت‌ها وقت خودمان و دولت را به این امور اختصاص دهیم.

باز هم تأکید می‌کنم که نقد ابزار قانونی نماینده است و سسوال، حق او، اما می‌شود این سوال‌ها را دوستانه‌تر، در محافل خصوصی‌تر و به‌موقع‌تر مطرح کرد.

باید صبورۃ، تحمل و احترام به دیگری و بردباری در برابر مسایل را در دستور کار قرار دهیم و بدانیم که مردم از ما، نه کار سیاسی که انتظار عمل به مسوولیت قانونی و اخلاقی‌مان را دارند.

یک حرف، یک نگاه

واقعا کاری نمی‌کنید؟



بهاره رهنما

مسوولان محترم مملکتی! بچه‌های ما دارند از هوای تهران خفه می‌شوند، واقعا کاری نمی‌کنید؟ مسوولان محترم مملکتی!

بچه‌های ما دارند از هوای تهران خفه می‌شوند، واقعا کاری نمی‌کنید؟ مسوولان محترم مملکتی! بچه‌های ما دارند از هوای تهران خفه می‌شوند، واقعا کاری نمی‌کنید؟

بعد از تحریر: به‌عنوان یک مادر، و سفیر انجمن حمایت از حقوق کودکان ایران اقتدر فریاد به جایی نمی‌رسد که وقتی کودک پنج‌ساله‌ای را که این‌روزها در آستانه خفگی از حمله‌های آسم با چشم‌هایش به من التماس می‌کند و نگاهم می‌کند، ترجیح می‌دهم سستون این هفتمار را با این جمله اعتراضی برکنم. شاید. مسوول محترم! لطفاً سوال بالا را با صدای بلند در دختنان بخوابید و لطفاً لطفاً لطفاً جوابی!

کوشنین

ناهار روز شکرگزاری



ناهید کبیری

با سنت‌ها و رنگ‌وبویی من‌درآوردی خودشان می‌آمیزند و با طرح و ترکیبی که اغلب مضحک از آب در می‌آید خود را به هر دو فرهنگ اوزبانی می‌کنند. مثل همین حرف‌زدنشان که نه فارسی است و نه انگلیسی... فرمایشات همین خنثی هم که در حال هورت کشیدن جای ترکی لبسوز با تک‌های درشت قند است بسیار شنیدنی است: «این سوپرمارکت ایرانی‌ها همیشه تو ماچ بی‌زیه!» در فرصتی به اتاقم می‌روم. دلم می‌خواهد با مشت بکوبم به آینه، به شیشه، به در، به دیوار؛ دیواری که انگار در این سوسی جهان هم رهایم نکرده و تنگ‌تر شده است... صدامی می‌کنند. می‌خواهند برای کشیدن ناهار و بردن بوقلمون تئوری بر سر کمکشان کنم. شتابزده شماره «نیک» را می‌گیرم. باید دوباره به او بگویم چقدر متأسفم. برنامه این بود که امروز مرا با خانواده‌اش آشنا کنند. حالا درباره من چگونه فکر خواهند کرد؟ با اینکه صدایش مثل همیشه آرام و مهربان است اما در گوشه‌ای از قلبم به‌شدت دلوایسم و احساس می‌کنم چیزی در میان ما شکسته است و او از من ناامید و خسته شده است. آخر چگونه باور کند آدمی مثل من که در این جامعه بزرگ شده، درس خوانده، کار خوب و درآمد بالایی هم دارد تا این حد اسیر قید و بندها و باید و نبایدهای خانواده‌ای باشد که خودشان به کمک او نیازمندند! بعد از رفتن میهمان‌ها به‌سریعت به اتاقم می‌روم که به «نیک» زنگ بزنم و قرار دیدار فردا را با او بگذارم. اما تلفن او خاموش است. این خاموشی چه معنایی دارد؟ شماره را دوباره و دوباره می‌گیرم. بارها زنگ می‌زنم. نه... بی‌نتیجه است. تا نیمه‌شب پشت پنجره می‌نشینم و به صدای باران گوش می‌دهم. بعد، بی‌سروصدا تمام لباس‌ها و وسایلم را جمع می‌کنم و به داخل ماشین می‌برم. صبح زود مثل همیشه از خانه بیرون می‌روم اما به جای اداره، روی‌په‌روی نزدیک‌ترین آژانس مسکن پارک می‌کنم و پیاده می‌شوم.

آفتاب آرام‌آرام بی‌لا می‌آید و شهر را بیدار می‌کند. برگ‌برگ باران‌خورده صنوبرها و افراها در دوسوی خیابان از پاکیزگی و طراوت می‌درخشند و در نسیم تابناک صبح تاب می‌خورند، و هوا، بسوی نارنج می‌دهد و دلنتگی.

آموزشگاه آزاد سینمایی موج‌نو
بامجوز رسمی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۵۳/۶۳۰۴

مدیر مسئول و مدیر آموزش: هوشمند ورعی
سایت موج‌نو را دیده‌اید؟
www.mojenofilmschool.com

بازتاب

تشکر ابتکار از فراخوان فرهیختگان

پس از انتشار فراخوانی که بخشی از فرهیختگان درباره فجاج محیط‌زیستی منتشر کرده بودند، رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست نسبت به آن واکنش نشان داد. در این واکنش آمده است: «هنرمندان و فرهیختگان گرمای مدافع محیط‌زیست، حفاظت از طبیعت و محیط‌زیست که در جریان توسعه بی‌رویه، دستخوش آسیب و تخریب می‌شود، ممکن است بیانه‌ی ابار دیگر سرزمینی که دوست می‌دارم» با شعار پرمعانی «همه‌جای ایران سرای ماست» بی‌بیانه‌ی سنجیده و از سر تعهد و وفاداری نسبت به اعتلای کشور و سلامتی هموطنان است. سیاست خدانورد را که جامعه مدنی ایران اینچنین آگاهانه خواهان همراهی با مسوولان در مقابله با معضلات به‌ویژه مشکلات مربوط به محیط‌زیست است و در این راه، مشارکت خود را با اقدامی عملی بیان می‌دارد»

پوشیا: ۸۳۸۸۰
اوا نگار: ۸۸۵۹۲۰۵۹
داریوش: ۸۸۵۹۲۷۷۱
شهر کتاب گرج: ۲۲۵۸۷۸۴۶
شهرکتاب البرز: ۸۸۰۸۲۴۲۶
فروش اینترنتی (با انتخاب صدایی): IranConcert.Com
نمایشگاه بین المللی
رهبر ارکستر: میلاد نافسی
مرکز فروش بلوط: ۲۲۷۲۸۰۰۷-۲۲۷۲۸۰۰۷
ققنوس: ۲۲۰۰۰۴۰۰
شهر کتاب گرج: ۰۲۶۳۳۴۲۰۵۹۹
تکین: ۰۲۶۳۳۴۲۰۵۹۹۹
فروش اینترنتی (با انتخاب صدایی): IranConcert.Com